

### ۳- معرفة الإمام المهدي (ع):

#### ۳ - شناخت امام مهدی (ع)

وهي إضافة إلى معرفة اسمه وولادته وغيبته الصغرى وسفرائه فيها وغيبته الكبرى إلى يومنا هذا، أو أحاديثه وأحاديث آبائه التي وردت فيه وفي غيبته وظهوره وقيامه، تشمل معرفة علامات ظهوره وسيرته بعد ظهوره. فبمعرفة علامات ظهوره نعرف قرب زمان ظهوره فنستعد لنصرته.

این، علاوه بر دانستن اسم، ولادتش، غیبت صغری او و سفرای حضرت در آن، و غیبت کبری تا به امروز، یا احادیث ایشان و احادیث پدرانش (علیهم السلام) که در مورد غیبت، ظهور و قیامش وارد شده، است که شامل شناخت علامات ظهور ایشان و روش آن حضرت پس از ظهورش می‌باشد. با شناخت علامات ظهورش نزدیکی زمان ظهورش را شناخته، خود را مہیای یاری رسانیدن به ایشان (ع) خواهیم نمود.

وبمعرفة سيرته بعد ظهوره (ع) نستعد لتقبلها، فلا نكون - والعياذ بالله - ممن يلتون عليه ويعترضون على سياسته وقراراته، وقد روي عن الإمام الصادق (ع)، أنه قال: (إذا خرج القائم خرج من هذا الأمر من كان يرى أنه من أهله) [823].

با شناخت سیره‌ی ایشان (ع) پس از ظهورش خود را برای پذیرش آن آماده می‌کنیم تا خدای ناکرده از کسانی که بر آن حضرت خرده می‌گیرند و بر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های حضرت اعتراض می‌کنند نباشیم. از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «هنگامی که قائم خروج کند کسانی که به نظر می‌رسید از یاران حضرت هستند، از این امر خارج می‌شوند» [824].

فعلى المؤمنين الالتفاف حول العلماء العاملين السائرين على نهج الأنبياء والمرسلين والأئمة. والحذر من متابعة علماء سوء غير العاملين، الذين لا يغضبون

لغضب الله عندما يهان كتابه القرآن الكريم ([825])، والذين سيقف كثير منهم ضد الإمام المهدي (ع)، وربما سيقاتلونه.

پس بر مؤمنین است که همواره پیرو علمای عاملی باشند که بر راه پیامبران، فرستادگان و ائمه (علیهم السلام) سیر می‌کنند، و از دنباله‌روی از علمای بد نهاد بی‌عمل بر حذر باشند؛ همان کسانی که برای خشم خداوند هنگامی که کتاب قرآن کریمش مورد اهانت قرار می‌گیرد خشمگین نمی‌شوند [826] و کسانی که بسیاری از آنها در مقابل امام مهدی (ع) خواهند ایستاد و چه بسا با او پیکار کنند.

روي عن رسول الله ، قال: (سيأتي زمان على أمتي لا يبقى من القرآن إلا رسمه، ولا من الإسلام إلا اسمه، يسمون به وهم أبعد الناس منه، مساجدهم عامرة وهي خراب من الهدى، فقهاء ذلك الزمان شرّ فقهاء تحت ظل السماء، منهم خرجت الفتنة واليهم تعود) ([827]).

از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: «زمانی بر امت من خواهد رسید که از قرآن جز خطش و از اسلام جز نامش باقی نمی‌ماند، خود را منتسب به آن می‌دانند در حالی که دورترین مردم از آن هستند، مسجدهایشان آباد اما خالی از هدایت است، فقهای آن زمان شرورترین فقهای هستند که آسمان بر ایشان سایه انداخته است، از آنها فتنه خارج می‌شود و به آنها بازمی‌گردد» [828].

وعن رسول الله في المعراج، قال: (... قلت إلهي فمتى يكون ذلك؟ فأوحى إليّ (عزوجل): يكون ذلك إذا رفع العلم وظهر الجهل، وكثر القراء وقل العمل وكثر الفتنك، وقل الفقهاء الهادون وكثر فقهاء الضلالة الخونة وكثر الشعراء، واتخذ أمتك قبورهم مساجد، وحليت المصاحف، وزخرفت المساجد، وكثر الجور ...) ([829])

رسول خدا (ص) در حدیث معراج فرموده‌اند: «.... گفتیم: خداوند! آن موقع (یعنی قیام قائم (ع)) چه وقت خواهد بود؟ خداوند عزوجل به من وحی فرمود: هنگامی که علم برداشته شود و جهل ظاهر گردد، قاریان فراوان شوند و عمل

اندک، کُشت و کشتار فراوان شود و فقهای هدایت‌گر اندک در حالی که فقهای گمراهی خیانت‌کار فراوان کردند. شاعران فراوان کردند و امت تو قبرهایشان را به عنوان مسجد برگیرند، مصحف‌ها آراسته گردد و مسجدها مزین گردند، ظلم و ستم بسیار گردد...» [830].

و عن الباقر (ع): (إذا قام القائم (ع) سار إلى الكوفة، فيخرج منها بضعة ألف نفس يدعون البترية عليهم السلاح، فيقولون له: إرجع من حيث جئت فلا حاجة لنا في بني فاطمة!! فيضع فيهم السيف حتى يأتي على آخرهم، ثم يدخل الكوفة فيقتل بها كل منافق مرتاب ويهدم قصورها ويقتل مقاتليها حتى يرضى الله عز و علا) [831].

از امام باقر (ع) روایت شده است: «هنگامی که قائم (ع) به پا خیزد به سوی کوفه می‌رود. چند ده هزار نفر از بتریه که با خود سلاح دارند به او می‌گویند: به همان جا که آمده‌ای برگرد، ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم. پس شمشیر را در میانشان قرار می‌دهد و تا آخرینشان را می‌کشد. سپس به کوفه داخل شده، تمام منافقین شکاک را از بین می‌برد، کاخ‌هایشان را ویران می‌کند و مبارزینشان را می‌کشد تا خداوند عزوجل راضی گردد» [832].

و عن الباقر (ع): (يدخل الكوفة وبها ثلاث رايات قد اضطربت فتصفو له، ويدخل حتى يأتي المنبر ويخطب ...) [833].

امام باقر (ع) می‌فرماید: «وارد کوفه می‌شود در حالی که در آنجا سه پرچم با هم درآمیخته‌اند، اما با ورود امام مطیع فرمان او می‌شوند. او داخل می‌شود، از منبر بالا می‌رود و خطبه می‌خواند...» [834].

و عن أمير المؤمنين (ع): (يا مالك بن زمرة، كيف أنت إذا اختلفت الشيعة هكذا؟ وشبك أصابعه وادخل بعضها في بعض، فقلت: يا أمير المؤمنين، ما عند ذلك من خير. قال (ع): الخير كله عند ذلك، يقوم قائماً فيقدم عليه سبعون، فيقدم سبعين رجلاً يكذبون على الله ورسوله فيقتلهم، فيجمع الله الناس على أمر واحد) [835].

اميرالمؤمنين (ع) فرمود: «ای مالک بن زمره! چگونه خواهی بود وقتی شیعیان این گونه اختلاف می کنند»، و حضرت انگشتان دو دست مبارکش را در هم کردند. عرض کردم: ای امیرالمؤمنین! در آن زمان هیچ خیری وجود ندارد. حضرت فرمود: «تمام خیر در آن زمان است. ای مالک! آن موقع قائم ما قیام می کند. سراغ هفتاد نفر که به خدا و پیامبرش دروغ می بندند می رود و آنها را می کشد و سپس خداوند شیعیان را بریک امر (امام زمان) متحد می سازد» [836].

ويقدم سبعين رجلاً يكذبون على الله ورسوله، أي: علماء غير عاملين. وربما يفتون الناس بغير ما أنزل الله على رسوله وفق تخرّصاتهم العقلية وأهوائهم الشخصية.

«سراغ هفتاد نفر که به خدا و پیامبرش دروغ می بندند می رود»؛ یعنی علمای بی عمل، و چه بسا مردم را براساس غیر از آنچه خداوند بر فرستاده اش نازل فرمود فتوا می دهند؛ طبق ظنیات عقلی و خواست های شخصی شان.

و عن أبي جعفر (ع)، أنه قال: (لتمخضن يا معشر الشيعة، شيعة آل محمد كمخيض الكحل في العين؛ لأن صاحب الكحل يعلم متى يقع في العين ولا يعلم متى يذهب، فيصبح أحدكم وهو يرى أنه على شريعة من أمرنا فيمسي وقد خرج منها، ويمسي وهو على شريعة من أمرنا فيصبح وقد خرج منها) [837].

از ابا جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: «ای گروه شیعه، ای پیروان آل محمد (ص)! همانگونه که سرمه در چشم زیر و رو می شود، شما هم، هر آینه، به

شدت زیر و رو خواهید شد؛ زیرا صاحب سرمه، می‌داند کی سرمه را در چشم خواهد کرد ولی نمی‌داند کی این سرمه از چشم بیرون می‌رود. پس هر کدام از شما ممکن است صبح، خود را در راه ما ببیند در حالی که شب از آن خارج شده است، و ممکن است شب در مسیر ما باشد و صبح از آن خارج گردد» [838].

و عن أبي عبد الله (ع): (كيف أنتم إذا بقيتم بلا إمام هدى ولا علم يري، يبرأ بعضكم من بعض، فعند ذلك تميزون وتمحصون وتغربلون، وعند ذلك اختلاف السنين [839])، وأمارة من أول النهار وقتل وقطع في آخر النهار) [840].  
از ابا عبد الله امام صادق (ع) روایت شده است: «چگونه خواهید بود هنگامی که بدون امام هدایت‌گر بمانید؟ و بدون پرچمی برافراشته که آن را ببینید؟ برخی از برخی دیگر تبری و بیزاری جویند! در آن هنگام متمایز شده، امتحان می‌شوید و غربال می‌گردید و پس از آن اختلاف سال‌ها است» [841]؛ پادشاهی در اول روز، و کشتن و بریده شدن در انتهای روز است» [842].

و عن البيزنطي، قال: سألت الرضا (ع) عن مسألة الرؤيا، فأمسك ثم قال (ع): (إننا لو أعطيناكم ما تريدون لكان شرّاً لكم، وأخذ برقبة صاحب هذا الأمر. وقال: وأنتم في العراق تروون أعمال هؤلاء الفراعنة وما أمهل لهم بتقوى الله، ولا تغرنكم الدنيا ولا تغتروا بمن أمهل له، فكان الأمر قد وصل إليكم) [843].

بیزنطی می‌گوید: از امام رضا (ع) در مورد مسئله‌ی رؤیا پرسیدیم. ایشان درنگی نمود و فرمود: «اگر آنچه را که می‌خواهید به شما بدهیم، برایتان شرّ می‌شود و گریبان صاحب الامر (ع) را می‌گیرید» و ادامه داد: «و شما در عراق اعمال این فرعونیان را خواهید دید و آنچه با تقوای الهی به ایشان مهلت داده شده است؛ پس این دنیا شما را نفریبد و با آن کس که به او مهلت داده شده، فریب نخورید. پس گویی امر به شما رسیده است» [844].

- [ - غيبة النعماني: ص332، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج3 ص501، ميزان الحكمة: ج1 ص186.
- [824] - غيبته نعماني: ص 332 ؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج 3 ص 501 ؛ ميزان الحكمت: ج1 ص186.
- [825] - يشير (ع) إلى ما فعله الطاغية صدام من تنجيسه للقرآن، وتخاذل الحوزة العلمية عن نصره القرآن والدفاع عنه، وقد تقدّم في الهامش توضيح ذلك في الجزء الأول من الكتاب فراجع.
- [826] - ايشان (ع) به آنچه صدام در نجس کردن قرآن انجام داد اشاره می فرماید و اینکه حوزة علمی علمیه از یاری دادن به قرآن و دفاع از آن شانه خالی کرد. این ماجرا در پاورقی در جلد اول این کتاب توضیح داده شد؛ مراجعه فرمایید.
- [827] - الكافي: ج 8 ص 801، ثواب الأعمال: ص 253، الفصول المهمة في اصول الأئمة: ج 1 ص 610، بحار الأنوار: ج 2 ص 109.
- [828] - كافي: ج 8 ص 801 ؛ ثواب الاعمال: ص 253 ؛ فصول مهم در اصول مهم: ج 1 ص 610 ؛ بحار الانوار: ج 2 ص 109.
- [829] - مختصر البصائر: ص 248، بحار الأنوار: ج 51 ص 70، غاية المرام: ج 2 ص 73، تفسير نور الثقلين: ج 3 ص 124.
- [830] - مختصر بصائر: ص 248 ؛ بحار الانوار: ج 51 ص 70 ؛ غاية المرام: ج 2 ص 73 ؛ تفسير نور الثقلين: ج 3 ص 124.
- [831] - الارشاد: ج 2 ص 384، الصراط المستقيم: ج 2 ص 254، بحار الأنوار: ج 51 ص 338، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 3 ص 308.
- [832] - ارشاد: ج 2 ص 384 ؛ صراط مستقيم: ج 2 ص 254 ؛ بحار الانوار: ج 51 ص 338 ؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج 3 ص 308.
- [833] - الارشاد: ج 2 ص 380، غيبة الطوسي: ص 468، الصراط المستقيم: ج 2 ص 251، بحار الأنوار: ج 52 ص 331.
- [834] - ارشاد: ج 2 ص 380 ؛ غيبته طوسي: ص 468 ؛ صراط مستقيم: ج 2 ص 251 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 331.
- [835] - غيبة النعماني: ص 214، بحار الأنوار: ج 52 ص 115، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 3 ص 30.
- [836] - غيبته نعماني: ص 214 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 115 ؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج 3 ص 30.
- [837] - غيبة الطوسي: ص 339، بحار الأنوار: ج 52 ص 101.

[838] - غيبت طوسی: ص 339 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 101.

[839] - أي جذب وقحط، منه (ع).

[840] - کمال الدین: ص 348، بحار الأنوار: ج 52 ص 212، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج 3 ص 422.

[841] - منظور خشک سالی و قحطی است؛ از ایشان (ع).

[842] - کمال الدین: ص 348 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 212 ؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج 3 ص 422.

[843] - الكافي: ج 1 ص 255، بصائر الدرجات: ص 105، بحار الأنوار: ج 52 ص 110.

[844] - کافی: ج 1 ص 255 ؛ بصائر الدرجات: ص 105 ؛ بحار الانوار: ج 52 ص 110.